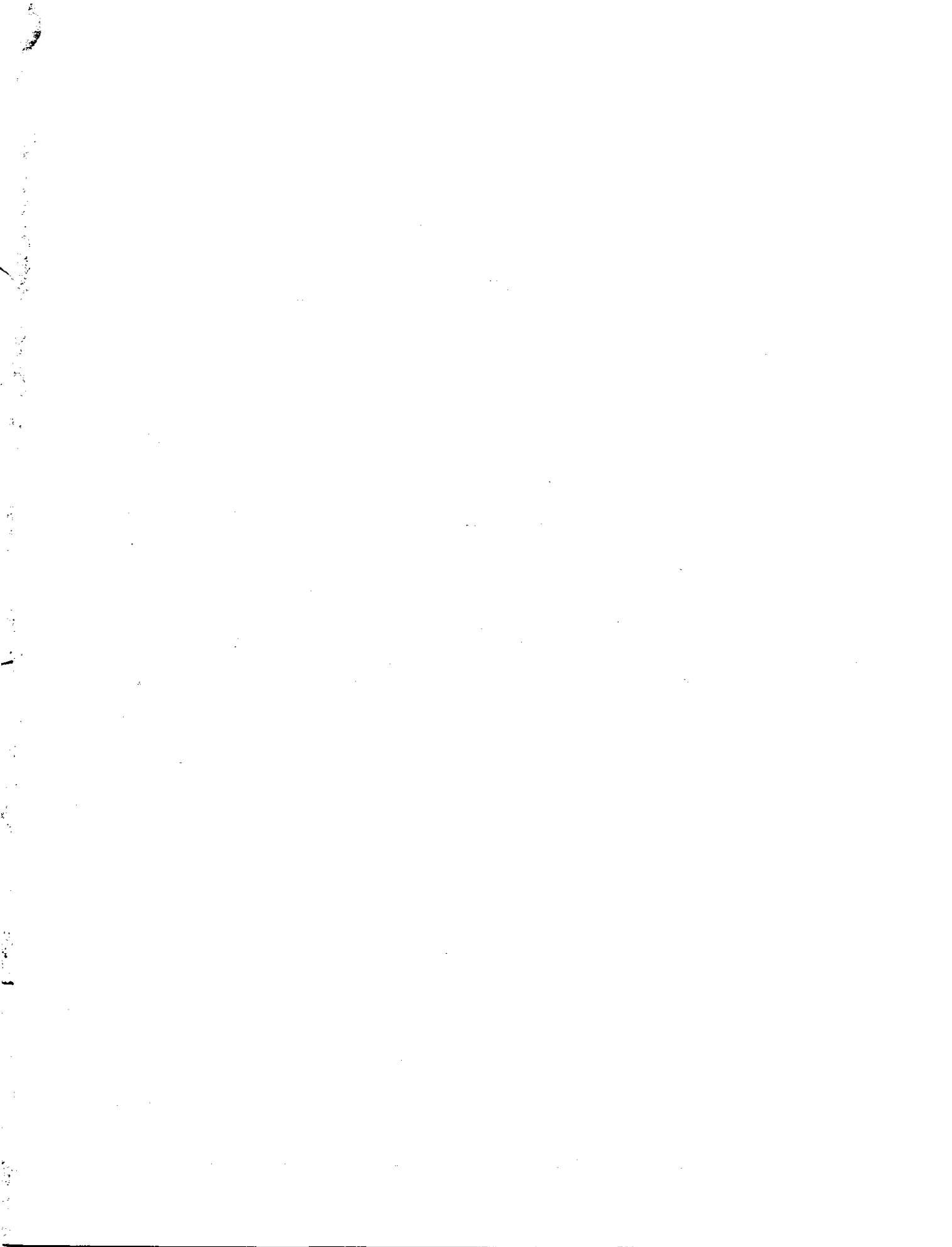


نمائی
از داخل
درب
خروجی
مشرق الاذکار
امریکا
استرالیا



اجتہاداً قطعاً نباید هیچ حزبی داخل شوند
و در امور سیاسی مداخله نمایند. حضرت مبدی بآباء

آهنگت بدیع

مخصوص جامعه بهائی است

شماره مسلسل ۲۱۳

شهر اشرف ۱۲۱ بهیج
دماه ۱۳۴۳
شهر آفریبه ۱۹۶۵

شماره ۱۰ سال ۱۹

فهرست مندرجات

صفحه

—	۱ — لوح مبارک حضرت بهاء الله جل زکرة
۳۲۵	۲ — انتخاب در جامعه بهائی
۳۲۸	۳ — نامه های تاریخی (نامه ای از جناب روح الله)
۳۲۹	۴ — میرزا آقا خان بشیر الهی
۳۳۴	۵ — امة الله میسبس رول
۳۴۰	۶ — خیمه وحدت (شعر)
۳۴۱	۷ — از زره کسب نور مکن ز آفتاب کن (شعر)
۳۴۲	۸ — وحدت لسان و خط (۳)
۳۴۹	۹ — صفحه ای از یک کتاب (رحیق مختوم)
۳۵۲	۱۰ — عکسهای تاریخی
۳۵۳	۱۱ — معرفی کتاب (تذکره شعرای قرن اول بهائی)

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

از آثار مبارکه حضرت بهاء الله جل جلاله

نعمه قلبی بلعن پاریسی برطلعة عراقی وارد و ناله های ستری از آن
شنیده شد بلی گوش باقی باید تا کلام باقی شنود و چشم باقی شاید تلجما
باقی مشاهده کند زیرا که فنا در عرصه بقا راهی نیست تا ادراک
مراتب عزّ جاوید نماید و ذلیل را از کاس عزّ نصیبی نه تا در ساحت
قدس او قدم گذارد پس تو چون پیراهن جدید عزّت پوشیدی و در
شریعه باقی رحمت وارد شدی پس بگوش جان بشنو این نواهای
عندلیب الهی را که بر شاخسار قدس معنوی بجمع نعمات تفتی مینماید
تا در هوای روح ازلی جان در بازی و بمکن جانان پرواز نسائی
تا همه جسمت روح شود و بسماء نور عروج نماید المنزول

من الهاء بعد الباء ۱۵۲

انتخاب در جامعه بهائی

دکتر باهر فرقانی

حضرت ولی محبوب امرالله و بر طبق اصول و نظامات مقررہ در انجام فریضه مهمه انتخابات مشارکت نمایند. شك نیست که امسال با ازدیاد عدد و کلام مسئولیت احبای عزیز الهی هم بمراتب سنگینتر شده ولی یقیناً پس از سالها مداومت و کسب تجربه در این امر مبرور اما دگی لازم نیز برای قبول چنین مسئولیتی حاصل گردیده است. از زمان تشکیل اولین انجمن شور روحانی مرکزی در کشور مقدس ایران تا کنون امر الهی توسعه و گسترش زیادی یافته و بموازات این توسعه بسی نظیر و مشیل اصول و نظامات انتخابات بهائسی نیز در سراسر عالم منتشر و رگوشه و کنار عالم بهائی متمکن گردیده است زمانی بود که این نظامات غیر مشتهر و فقط در معدودی از ممالک شرق و غرب مجری بود ولی امروز با از دیاد عدد و مالکی که در ظل لوای اسم اعظم در آمده اند صیت آن مشتهر و انتخابات بهائی با حفظ اصول متقنه آن در ۶۹ اقلیم و متجاوزاً هزاران مرکز مجری و متداول است. مقارن همین ایام که احبای عزیز ایران در بی تدارک مقدمات اجرای انتخابات ملی می باشند در اقطار و اکناف عالم نیز یاران

بطوریکه خوانندگان محترم مسبقاً چند ماه دیگر در ایام عید سعید رضوان سی امین انجمن شور روحانی ملی بهائیان ایران تشکیل خواهد گردید این انجمن بطوریکه پیش بینی میشود در تاریخ سی ساله خود بیسابقه و نظیر خواهد بود چه که نخستین انجمنی است که بدستور بیت عدل اعظم الهی بجای ۹۵ نفر با ۱۷۱ نفر از وکلای مفتخب جامعه بهائی در مهد امرالله تشکیل خواهد شد.

از هم اکنون که جامعه بهائی بکمال اشتیاق در انتظار تشکیل این مؤتمر تاریخی است همه جا صحبت از انتخابات است و جنب و جوش و شور و نشاط بیسابقه ای در بین احبای عزیز الهی مشهود میباشد. محفل مقدس روحانی ملی با اعلان ابلاغیه بیت عدل اعظم سهمیه قسمت های مختلفه امریه را تعیین و اعلام داشته و توجه یاران را با اهمیت امر و استقبال از این فضل و عنایت که در آغاز نقشه بدیعه نهساله نصیب یاران عزیز ایران گردیده معطوف ساخته است دوستان عزیز نیز از هم اکنون در پی آن هستند که بر اساس آثار مبارکه

آهنگ بدیع

تأسیسات عظیمه میباشند یعنی خصائص انتخاباً
بهائی نیز باید بهمان نسبت بیشتر مورد توجه
قرار گیرند .

حضرت ولی مقدس امرالله اصول انتخابات
بهائی را در این بیان مبارک خلاصه فرموده اند
" انتخاب در جامعه بهائیان سری و عمومی
و آزاد است " خوشبختانه یاران عزیز نیز در
هر موردی با توجه به آثار مبارکه ازادانه و بطور
سری " با توجهی تام و نیتی خالص و روحی آزاد
و قلبی فارغ " بامدای رأی اقدام و " آن نفوس
را که خالصاً لوجه الله مستعد و قابل عضویت "
میدانند انتخاب مینمایند ولی آنچه که در این
مقاله مختصر بیشتر مورد توجه است تفهیم
عمومیت انتخابات بهائی است یعنی بیان این
مطلب که هر فرد مسجل و بیست و یکساله بهائی
نه تنها حق شرکت در ابدای رای دارد بلکه
استفاده از این حق را فریضه مقدسه وجدانیه
خود می شمارد میفرمایند قوله العزیز:
" انتخاب اعضای محفل روحانی خویش را از -
و ثلائف مقدسه مهمه وجدانیه خویش شمرند
ابداً اهمال در این امر نکنند و کناره نگیرند
و دوری نجویند " . هر فرد بهائی با استفاده
از این حق و شرکت در انتخابات بنحوی در
تشکیل محافل مقدسه روحانیه - انجمن های
شور روحانیه - محافل مقدسه روحانیه ملیه
و بالنتیجه در مقررات جامعه ای که افتخار

الهی از سیاه و سفید و سرخ و زرد - زن و مرد
و پیر و جوان با جرای این فریضه مقدسه وجدانیه
مشغول و مألوفند .

بی شک این توسعه کمی بار شد و تمام مل
کیفی نیز همراه بوده است دوستان الهی در
هر سال که در انتخابات شرکت میکنند بیشتر با
اصول و نظامات آن آشنا میگردند هر بار که
باین فریضه مقدسه مبادرت میورزند تجارب
بیشتری کسب میفرمایند و بطور کلی هر چه زمان
پیش میرود بیشتر یاران باسرار و حکم مود و
در نصوص مبارکه پی میبرند و انطباق شان با
اصول مقرره بیشتر و عمیق تر میگردد .

اصول انتخابات بهائی کاملاً مصلح و
معلوم است و این ما هستیم که باید سال بسال
خود را بیشتر با آن اصول منطبق بسازیم و
شکی نیست هر چه انطباق ما با این نظامات
بیشتر و عمیق تر باشد نتایج حاصله بهمان
اندازه کامل تر و صحیح تر خواهد بود .

اهمیت این مسائل علی الخصوص پس از
تأسیس اولین دیوان عدل اعظم الهی که امرالله
وارد عهد ثالث از عصر تکوین گردیده بیشتر
بر ما روشن و معلوم گردیده است امروزه اهمیت
محافل مقدسه روحانیه و محافل مقدسه ملیه
که اساس و اعمده بیت عدل اعظم الهی میباشد
بیش از هر وقت دیگری بر ما روشن گردیده
است و بنابراین اصول و مقرراتی که مؤسس این

آهن‌گ بدیع

انتساب بدان را دارد شرکت مینماید از طرف دیگر ملاحظه میشود که هر شخص بهائی اعم از شرقی و غربی - سیاه و سفید - سن و زرد - مرد و زن - پیر و جوان این حق و افتخار را - دارد که با شرکت در انتخابات ملیه بطور غیر مستقیم در تأسیس دیوان عدل اعظم الهی که خود حافظ مدنیّت لاشرقیة ولاغربیة در عالم انسانی میباشد شرکت نماید بدین ترتیب یک فرد بهائی با استفاده از این حق و با انجام این فریضه مقدسه از طرفی در مقدرات جامعه خود شرکت و از طرف دیگر دوش بدوش خواهران و برادران روحانی خود در اقطار شاسعه عالم در برپاساختن خیمه مدنیّت الهیه نقشی شایسته ایفا مینماید .

بشهادت تاریخ ملل و طبقات مختلفه اجتماع حق رای را بقیمت مبارزات وسیع و خونریزیهای عظیمه تحصیل نمود هاند حتی در عصر حاضر تمداد جوامعی که در آنها بعضی طبقات نفوس از شرکت در ابدای رای محرومند کم نمیشوند هنوز حتی در بعضی از ممالک متمدنه نسوان که طبقه موثر و عظیمی از هراجمتاع را تشکیل میدهند از حق رای محرومند و در بعضی دیگر منتسبین اقلیت های نژادی از این حق بی بهره میباشند این دستجات برای تحصیل این حق هنوز تلاش میکنند و هر روز بنوعی مبارزه مینمایند مشقات و صدمات بیحد تحمل میکنند

مسابی و مجاهدات فراوان مبذول میدارند فقط برای اینکه از این حق اجتماعی برخوردار گردند - ولی در امر مقدس بهائی از روز نخست این حق بتمام نفوسیکه در ظل امرالله مستظلم میباشند اعطا گردیده است در آثار مبارکه عمومیت این حق منصوص و حتی استفاده از آن فریضه مقدسه وجدانیه تلقی گردیده است و عموم اهل بهاء که حائز شرایط لازمه باشند با استفاده از آن - تشویق و ترغیب گردیده اند . جمال اقدس ربیبی در یکی از الواح مقدسه باین بیانات مبارکه ناطق " اگرچه تا حال عاشقان از پی معشوق روان - بودند و حبیبان از پی محبوب روان در این ایام فضل سبحانی از غمام رحمانی چنان احاطه فرموده که معشوق طلب عشاق مینماید و محبوب جویای احباب گشته . "

دیانت بهائی یک دیانت اجتماعی است و تعالیم این امر الهی با گوشه گیری و انزوا - مطابقی ندارد . حضرت عبدالبهاء میفرمایند " در این دور مبارک که فخر اعصار و قسرون است ایمان عبارت از اقرار بوحدانیت الهیه نه بلکه قیام بجمیع شئون و کمالات ایمان است بنظر میرسد که یکی از شئون و کمالات ایمان اظهار علاقه به مقدرات عمومی جامعه امرالله است که میتواند در حال حاضر بصورت تقویت تشکیلات از طریق خدمت و شرکت در تأسیسات اداری امر حضرت رحمن متجلی و متظاهر گردد . "

نامه ای از جناب روح الله



جناب روح الله

حضرت روح الله فرزند حضرت میرزا علی محمد ورقاء از نوادر زمان و از نوجوانان حق است که با شهادت خویش درس فداکاری و جانبازی به فحول ابطال و اعظم رجال داد نام نامیش در صدر اسما شهیدان امر و عشاق جمال قدم میدرخشد و در طی قرون و اعصار درخشندگی و تلالوش برقرار و پایدار است آثاری از این عاشق جانسوخته پدید گامانده که معرف روح بلند پرواز اوست . گوئیا هنوز ندای پرسوز و گدازش از اوج آسمانها بگوش میرسد .

جام می راساقیا سرشار کن	طور دل را از میت پرنسار کن
ساغری درده ز صهای الست	تابهوش آیم من مخمور مست
بر درم استار وهم وهم گمان	برهرم بر اوج هفتم آسمان

این بنده مدتها از کتابخانه نفیس جناب مهدی توفیق طبیب زاده استفاده میکرد در ضمن تفحص مجموعه ای گرانبها از مراسلات جناب بورقا و جناب روح الله بخط خودشان زیارت کرد و با اجازه مشارالیه بعضی از آن رقائم را استنساخ نمود زیرا یکی از مرقومات جناب روح الله را مندرج میسازد (البته مخاطب این نامه برهنده معلوم نشد)
هو الاهی جل جلاله

جاءت سلیمان یوم العرش قبرة	بنصف رجل جراد کان فی فیها تکلمت
بفصح القول واعتذرت	ان الهدا یا علی مقدار مهدیها

روحی فداک انشاء الله وجود نیجود آن محبوب در گل احوال در ظل عنایت سدره مبارکسه محفوظ و مضمون بوده و هست و در جمیع احوال بنار محبت الهیه مشتمل خواهد بود یا محبوب قلبی و فوادی از خداوند متعال استدعا و مسئلت مینمایم که آن محبوب را در ظل فضل وجود خود مستر

میرزا آقاخان بشیرالهی

«بشیرالسلطان»



اسم والدشان آقا ملامحمد حسین از فضلا وخوش نویسان مصروف شیراز بود ملا محمد حسین از مومنین اولیه ظهور بیان و بحضرت اعلی ارادت و ایمان قلبی راسخ داشت شخصی بود بسیار حلیم و سلیم وعابد و منقطع حرفه رسمی اش تدریس یعنی اطفال محترمین شهر نزد ایشان کسب علم و فیض میکردند پس از تشرف بایمان بحضرت اعلی پدر خود ملا محمود پسر میرزا علیرضاخان جواهرشناس فتحملی شاه راکه از فضلا و شمرای آن عصر بود بدین جدید دعوت نمود و حتی يك دفعه اورا برای تشرف بحضور

حضرت نقطه اولی برد ولی حجاب علم وفرور فقاہت مانع از ایمان وهدایت گردید لهذا جسورانه اعتراض نمود وپس از ساعتی مذاکره ومکاپره مؤمن نشده باحالتی پریشان وعصبانی که از انقلاب درونی حکایت میکرد مراجعت نمود بمحش ورود بمنزل بظاہر حالت غش باو دست داده بیهوش یافتاد پس از ساعتی که اورا مالش دادند وکم کم بیهوش آمد صدقنا وآمنّا گفت وایمان آورد .

ملا محمد حسین از پدرسئوال نمود که موجب این تخیر حال چه بود وچه کیفیتی دست

داد که بیهوش شدید وچون بیهوش آمدید مؤمن شده آمنّا وصدقنا گفتید رجواب گفت درحالت اغما دیدم دونفر آمدند مرا از زمین در ربودند وبآسمان بردند بانتهای اوج کهرسیدندائی آمد اورارها کنید آن دونفر مرا وسط آسمان وزمین رها کردند من شروع بسقوط کردم وبسیار هراسان شدم چه باسرعت زیاد بطرف زمین می آمدم آنچه به انبیاء واولیاء ومقدسین منو شد م والتماس کرده قسم داد مفایده نکرد بیک يك امام ها ملتجی شده قسم دادم بازهم

آهنگ بدیع

بریده شده و چون زیادی جاری گردیده بود
 اهل منزل جمع شده بدنبال طبیب و جراح می
 دویدند اتفاقاً جراح معروف شهر در آن حین
 از همان کوچه عبور میکرده فوراً او را حاضر می
 نمایند پس از مشاهده حال فوراً بریدگی را
 بخیه و مانع از جریان زیاد خون میگرد و پس
 از چندی زخم التیام مییابد . بعد از اعلان
 امر در بغداد فوراً بحمال مبارک جل زکرة -
 ایمان آورد و از مؤمنین ثابت قدم بود . در اواخر
 ایام اوقات خود را بیشتر بمصاحبت و ملاقات
 حضرات افغان میگذرانید و چندی در منزل جناب
 حاجی میرزا ابوالقاسم سکونت گزیده بتدریس
 انجال آن مرحوم و سایر اطفال این عاقله جلیله
 از قبیل مرحوم میرزا علی محمد خان موقرالدوله
 و مرحوم آقا سید آقا خان و جناب میرزا هادی
 والد حضرت ولی امرالله مشغول بودند مرحوم
 میرزا آقا خان بشیرالهی نیز در آن اوقات با
 انجال حضرات افغان همسن و همدرس بودند
 و در مجالس درس پدر حاضر میشدند و روزهای
 جمعه علی الرسم با حضرات افغان بباغ بساتین
 که متعلق بجناب افغان حاجی میرزا ابوالقاسم
 (جد اعلای حضرت ولی امرالله) بود میرفتند
 و بتفریح و تفریح میپرداختند . عامه مردم
 نیز باو اعتقادی داشتند و نزد او رفت و آمد
 میکردند تا اینکه عمر بانتهارسید و در سنه
 ۱۲۹۵ قمری در شیراز وفات نمود .

نتیجه نبخشید بالاخره مستاصل شدم و موت
 را قریب دیدم لهذا بآن سیدی که تو مرانزد
 او پردی قسم دادم ناگاه آن دو نفر آمده زیر
 بغل مرا گرفته آهسته بر زمین گذاشتند و اینک
 من متنبه شده باو ایمان آوردم . پس از این
 واقعه برای عذر خواهی از جسارتی که در محضر
 مبارک کرده بود قصیده عربی مفصل و غرائی -
 انشاد کرده در ضمن آن از جسارت خود عذر خوا^{هی}
 کرده طلب عفو و غفران نمود .

باری جناب ملا محمد حسین از خوش
 نویسان معروف عصر خود بود قطعات و خطوط
 بسیار و کتب نفیسه بخط او موجود است و محلا^ط
 در علوم ریاضی و فنون سائره که متداول آن عصر
 بود نیز دست داشته است .

در اوایل امر حضرت اعلی در شیراز چون
 مظالم و صدماتی که بر آنحضرت وارد میآمد
 به چشم خود مشاهده مینمود و طاقت تحمل نداشت
 که مولای خود را آن قسم در دست ظلم
 ظالمان بیند روزی با حالت منقلب و پریشان
 بمنزل آمده فوراً باطاق خود رفته لحاف بر
 سر میکشید و با تیغ قلمتراش حنجر خود را میبرد
 در این اثنا یکی از همشیره هایش که ورود او را
 بمنزل دیده و از این رویه خلاف معمول متعجب
 شده بود باطاق میروید چون آثار خون میبیند
 فریادی زده خود را بطرف او پرتاب میکند و
 دست او را نگاه میدارد در حالیکه مقداری

آهنگ بدیع

فراهم میساخت و پذیرائی مینمود تا اینکه بار دیگر بطهران آمد و قریب دو سال در پستخانه طهران رئیسگی از شعبات بود و در مجالس احباب مجالس و مصاحب آنان . بار دیگر مأمور شیراز شد و این دفعه رئیس هی ایالتی پست فارس شد و مدت هفت سال در این مقام باقی بود و همواره بخدمت قائم و اسباب تشویق دیگران بود تزد یار و اغیار و آشنا و بیگانه اشتھاری عظیم یافت و مشارالینان گردید و در این موقع از طرف دربار پادشاهی بلقب " بشیرالسلطان " امتیاز یافت . در موقع بروز انقلاب مشروطیت در زحمات و مشقات عدیده افتاد و مکرر مورد ایذا و آزار اراذل و مفرضین واقع شد و بواسطه اشتھار همواره در معرض خطر بود و چندین بار محل سوء قصد واقع شد که اشرار بتحریک دشمنان قصد کشتن داشتند و هر دفعه خداوند وسیله فراهم ساخت که با وجود پافشاری در مقابل آنان محفوظ ماند با این حال نزد حکومت و اعیان شهر رفت و آمد داشت و از حقوق یاران مدافعه مینمود . در آن اوقات هرج و مرج در شیراز با افتتاح مدرسه ۱۳۱۶ پرداخت که هنوز باقی و اکنون مدرسه دولتی است و اول مدرسه ایست که در شیراز افتتاح یافته . در همان اوقات نیز بسمی ایشان اولین محفل روحانی شیراز تأسیس یافت و عمده کارها را خود انجام میداد و کلیه ارسال و مرسول بارض اقدس توسط ایشان بحمل میآمد در ضمن مراد

پس از فوت پدر مرحوم بشیر الهی از شیراز حرکت کرده روانه طهران شد چندی در طهران بخدمت امیر پرداخت و بعد عزم کوی دوست نمود و دو یاسه سال قبل از صمود جمال اقدس ابھی بشرف لقا فائز و معنایت کبری مفتخر و چنان از یاده محبت الله سر مست و سرشار شد که تا ایام اخیر حیات هر وقت یاد ایام تشریف حضور مینمود حالتی غریب دست میداد و بی اختیار سرشک از چشمان جاری می شد در همان سفر مقام حضرت غصن الله الاعظم را قبل از طلوع نیر پیمان دریافت و چنان به شعله میثاق برافروخت که در مراجعت در همه جا ذکر مقام و بزرگواری آنحضرت مینمود و پس از صمود جمال اقدس ابھی بکمال همت و جانفشانی بدفع شبهات اهل ارتباب پرداخت پس از چندی در طهران در اداره پست داخل شد و بعد از مدتی تأهل اختیار نمود . در ابتدای خدمت مأمور زنجان و بعد رئیس پستخانه یزد شد و قریب سه سال در آنجا بسر برد و در آن مدت در سبیل امربخدا مات فائقه موفق گردید همواره بخدمت و تهیه آسایش یاران میپرداخت و بواسطه ارسال عرایض و وجوه بساحت اقدس بود بعد مأمور شیراز شد و سالی نیز در بندر بوشهر بظاهر در پستخانه و در باطن بخدمت امرالله مشغول بود و برای دستاوردی که از آن بندر عبور میکردند تسهیلات

آهنگ بدیع

بنوعیکه اقامت ممکن نشد ناچار آن مأموریت را ترك گفت و بطهران مراجعت نمود و بعد از آن بقیه ایام حیات را در طهران بسربرد و در اواخر ایام اغلب بواسطه استیلاى مرض ریوی و قلبی ملازم بستر و تابستانها در شمیران منزل داشت بیشتر در خلوت و تنهایی بسر میبرد و بقرائت آیات والواح و ذکر محبوب میپرداخت . پس از صعود حضرت مولی الوری ارواحنا لمرسه الاطهر فداءء تاب تحمل نماند اغلب ناله وزاری مینمود و از فراق معشوق چون شمع میگداخت و آرام نداشت و تمنای خلاص از قفس تن مینمود — حضرت ولی امرالله ارواحنا لفضاله الفداءء عنایت مخصوصه نسبت بایشان ابراز میفرمودند و درالواح مقدسه نهایت فضل و رضامندی از خدمات او اظهار میداشتند تا اینکه در ششم برج اسد ۱۳۰۳ در حدود سن شصت سالگی بملکوت ابههی پرواز نمود و بمحل لقا داخل گشت و در گلستان جاوید طهران مقریافت پس از صعود ایشان حضرت ولی عزیز امرالله ارواحنا لمنایاته الفداءء تلگراف ذیل را بیازمانگان مخابره فرمودند . — "حیفا مورخ ۲۶ سپتامبر ۱۹۲۴ طهران توسط دواچی عاقله بشیر — السلطان بینهایت محزونم عالم امر از فقدان اولاد قابل و باوفای خود متألم است شوقی . در اینجا دو فقره ازالواح منیعه که بقلم حضرت عبدالبهار ارواحنا لمرسه الاطهر فداءء

و معاشرت با رجال مهم شیراز از قبیل امام جمعه و روسا ء حکومتی آنان را تبلیغ میکرد و القاء کلمه مینمود و عده از آنها باطنا ایمان داشته والواحی بافتخارشان نازل گردیده است مشارالیه در آن اوقات بخدمات باهره موفق گردید والواح کثیره بافتخار ایشان از قلم حضرت مولی الوری صدور یافت و مورد عنایات لا تحصی واقع گشت و درالواح مذکوره نهایت فضل و عنایت مبارک نسبت با و مشهود و در اغلب الواح او را بلقب " بشیر الهی " مفتخر و مخاطب میفرمایند . عشق غریبی بجمع آوری آثار والواح مقدسه و تذهیب و تجلید آنها داشت چنانکه وجوه کتیره صرف این کار نمود و مرقعات نفیسه ترتیب داد و چند عدد از آنها را بامر مبارک برای ضبط در کتابخانه های مهم اروپا ارسال داشت .

در اوقات مسافرت مبارک با اروپا و امریکا اغلب الواح و اخبار توسط ایشان بایران میرسید و طبع و نشر میشد تا اینکه پس از هفت سال بر اثر سعایت و دسیسه معاندین بطهران احضار شد مدتی در طهران بمعالجه پرداخت چه مزاج علیل شده بود معذک در خدمات امری آرام نداشت و بهرکاری همت میگماشت . بعد بریاست پست گیلان انتخاب شد و پرشت عزیمت نمود و قریب دو سال در این مأموریت باقی بود ولی آبوهوا موافقت ننمود و بر علت مزاج بیفزود

آهنگ بدیع

جمال مبارك روحی لا حياء الفدا در آن مزرعه
 پاك مطهر بيكسال در تابستان منزل و مأوی —
 فرمودند در باغ حاجی باقر که سه طبقه بود
 و مسلط بدریاچه محل سریر مليك ملكوت بود
 و در بدایت امر بود در وسط دریاچه تخت بزرگی
 از سنگ زده بودند در وسط تخت سرپرده
 و اطراف تخت باغچه قریب صد و پنجاه نفر از
 احباء مجتمع شب آهنگ تقدیس بود که بملاء
 اعلی میرسید بسیار خوش گذشت همیشه جمال
 مبارك ذکر آن مکان را میفرمودند حال خدا
 چنین مکانی را پتو داده شکر کن خدا را و یا
 یاران در آن مکان بذكر و ثنای ربّ جمیل پرداختی
 هر قدر دلت میخواست آوازه خواندی و
 احباء را بوجد و نشاط آوردی و عليك البهاء
 الابهی . ۱۶ ذیحجه ۱۳۳۷ عبدالبهاء
 عباس

(این مناجات طلب مغفرت در ایام حیات
 صادر شده است) .

الهی الهی ان بشیرک الکریم و رفیقک الثابت
 علی العهد القوم قد شبّ فی عبودیتک و شاب
 فی خدمتک و قام بکل قوه علی نشر الاوراق فی —
 الافاق و استهدف سهام اهل النفاق و قضی
 ایامه مرالمذاق و تحمّل لوم کل شئوم لا یطاق ولم
 یکن هذا الاحبا بجمالک و طلبا لوصولک و تمنا
 بجوار رحمتک و ابتضا^ل لوجهک و شوقا الی لقاءک
 ربّی کلّیه الکاس الدماقی بصهباء رحمتک یا اوله
 (بقیه در صفحه ۳۵۶)

(۳۳۳)

بافتخار ایشان شرف نزول یافته تیمناً درج
 میگردد .
 طهران حضرت بشیر الهی علیه بهاء الله
 الابهی .
 هو الله ای بشیر الهی نامه تو چون
 دیوان محامد و نصوت جمال مبارك بود نهایت
 فرح و سرور بخشید هر کلمه يك آیت طوبی است
 يك کلمه تار و طنبور است يك کلمه مزامیر آل
 داود يك کلمه چنگ و چفانه است يك کلمه —
 غزلخوانی و ترانه یکدست موسیقی مکمل است
 که مستمعین را بوجد و سرور می آورد آهنگ
 تسو در آنجا میزنی و عاشقانرا در اینجا بوجد
 و طرب آری الحمد لله که نامه مشکین بود و الفا^ط
 و کلمات ملیح و نمکین بر همان اتحاد و اتفاق —
 احبا بود که عموماً مشتعلاً منجذباً متحداً متفقاً
 باعلاء کلمة الله و نشر نجات الله و تبلیغ امر الله
 مشغول احدی ملالی ندارد . چهار صفحه
 که بخط مبارك حضرت اعلی روحی له الفداء —
 انعام بعبد البهاء نموده بودی رسید از در
 و دیوار آهنگ و اطوبی و اطوبی بلند شد و آغاز
 نغمه و ترانه نمودند عبد البهاء در گوشه استماع
 این نغمات مینمود احسنت احسنت که مارابه
 این هدیه دلپسند خوشنود نمودی . اما
 تبدیل هوا در شمیران در مرغ محله موهبت
 رحمن است آن مکان محله مرغان نیست آشیانه
 عنقای مشرق است و لانه سیمرغ کوه قاف زیرا

امه اند مسیرویل

فردخ ارباب

جلسه ای بود نورانی و محفلی روحانی پس از آنکه لوحی از جمال اقدس ابهی جل زکرة الاعلی تلاوت گردید سکوت محض در بین حضار حکمفرما شد و همه در بحر تفکر فرو رفتند گویا باین بیان مبارک می اندیشیدند که خطاب بمادر میفرماید " قسم بجان دوست که اگر پیراهن یوسفی ببوئی و بمصر دوستی خدائی در آئی مادر همه مقربین شوی " .

منهم بسهم خود بدشواری این مقام عظیم فکر میکردم و کلمه مبارکه مادر مقربین را تکرار میکردم که ناگاه شخصی مطلع از بین جمع سر برافراشت و چنین گفت بیانی نبود که از فم مطهر نازل میشد و مصداقش واقع نمی گسردید من خانمی را می شناسم از اهل فیلا دلفیا که نور ایمان چنان قلب و روحش را منور گردانید که باین مقام شامخ رسید و مورد رضای خاطر مبارک مولا پیش واقع شد و از فم مطهر مادر نامیده شد . همه او را MOTHER OF BELIEVERS یعنی ام المؤمنین می نامیدند او اکنون از این جهان رخت بر بسته لیکن اثرات اعمال و رفتار ملکوتی او در عالم باقی است و بگفته یکی از دوستانش حرارت محبت او هرگز از یاد نمی رود و سرور حاصله از الطافش در چهره کسانی که او را دیده اند هنوز هم پس از گذشت زمان باقی و برقرار است . همه چشمها متوجه گوینده این بیانات گردید و مشتاقانه شرح احوال آن خانم ملکوتی را خواستار شدیم او برای ما چنین گفت . در سال ۱۹۰۰ میلادی خانمی بنام ماری رول MARY REVELL که روئی داشت نورانی و نفسی مسیحائی در سن ۱۴ سالگی شوهر عزیزش را پس از يك كسالت ممتد از دست داد و با داشتن شش فرزند با مشکلات بیحدی مواجه گردید لیکن از آنجائیکه متشبهت بانجیل و کلیسا بود با ایمان بخداوند و معتقد آ قلبی خویش با شکییائی دشواریها را تحمل کرد تا آنکه روزی بوسیله خواهرش پیامی ملکوتی

دریافت نمود که پس از تفحص و تجسس دانست
و عود انجیل تحقق یافته و مظهر ظهور را شنا
خست
پس از آن بزیارت الواح پرداخت و بیانی را
زیارت نمود که میفرماید ترجمه " رفتن بصوب
ملکوت سهل و آسانست ولی ثابت ماندن و مستقیم
بودن بس مشکل و دشوار " .

باز یارت این بیان در بحر تفکر فرو رفت
و با خداوند بی نیاز بر از و نیاز پرداخت تا
آنکه در دل یک شب تار ضمن نیاز بسوی پروردگار
نوری تابان در مقابل چشمش عیان گردید که احساس
کرد این نور الهی و جلوه یزدانی است سه تیره
این موضوع تکرار شد که بیشتر باعث هیجانست
قلبی او گردید اطفالش هم همگی از آن مائده
آسمانی مرزوق و قلبشان بنور ایمان منور گردید
ناگهان آن خانم پاکدل خانه اش را بسوی
همه گشود و دوستان کلیسائیش را خبر کرد و
منزلش را مأمن دوستان و محل امید دل شکستگان
گردانید هر کس مشکلی داشت نزد او میرفت و
نصائح مشفقانه اش را بگوش جان می شنید
حرارت محبتش چنان بود که همه را مجذوب
خویش گردانیده و او را مادر روفل خطاب
میکردند چون مادری بود مهربان رقیق القلب
و ثابت با سر الله و شجاع و فدائی دوستان او شروتی
نداشت لیکن محبت سرشارش مشام جان اهل
امکان را معطر میکرد خانمهای مبلخین و
متقدمین امریکا چون میس مارثاروت و مسس کهلر

و مسس ماگسول چنان مجذوب مغناطیس
محبتش بودند که او را چون برگزیده ای دانسته
و دیگر اعمال خیرش میپرداختند منزلش را
مرکز ملاقات احبا و کلا سهای درس تبلیغ
و ضیافت و جشنها قرار داده و همچون یک مرکز
بهائی برای توزیع کتب امری از آن خانه
استفاده میشد تا آنکه حضرت عبدالبهاء در
لوحی بافتخار فرمودند .

ترجمه " از خداوند یکتا رجا دارم این
امه موقنه محبوب ملکوت ابهی گردد و در دانش
و پیشش ممتاز در بین اهل ارض و سما " پس از
آن دیگر مادر رول روحی بود مجسم بود رحقیقت
عنوان ام المؤمنین در حق او کاملاً صادق بود
چون همگام مبارک بغیلا در لغیا تشریف بردند
در منزل او نزول اجلال فرمودند و از ایمان و
ایقانش دلشاد و از اعمال نیکش خرسند گردیدند
و همیشه میفرمودند که خانه رول خانه بهائی
است او چنان مورد رضای خاطر مولایش قرار
گرفته بود که هر چه در ضمیرش طلب میکرد
بدریافتش موفق میشد هنگامیکه برای افتتاح
ساختمان مشرقی الاذکار به ویلمت رفته بودند
بخاطر آورد که یکی از احباء ایرانی از او خواسته
بود که دامن مبارک را از قبل اولمس نماید
او هم از پروردگارش رجا کرد که باین امر موفق
شود پس منتظر بایستاد و اهسته مناجاتی
را زیر لب تلاوت کرد و با الطاف مولایش مطمئن

آهنگ بدیع

بد هم " مادر رول همچنان در اجرا " -
دست و رات مبارک گوشا بود و بتبلیغ و تبشیر
در دیار ومدن میپرداخت تا آنکه در زمان
حضرت ولی امرالله ارواحنا فداها وجود ضمق
و پیری قیام بهجرت نمود و باتفاق دودخترش
بشهر آردن (Ardan) مهاجرت و چندین
قلب صافی را تسخیر نمود در روز ۷ اکتبر
۱۹۴۳ که موفق شده بود سه نفر را در ظل
امرالله درآورد اولین جمعیت بهائی را تشکیل
داد در همان روز ساعت سه بعد ازظهر -
احساس کرد که وظائفش را در این جهان
باتمام رسانیده درآخرین دقایق حیات لوح
مبارکی را بخاطر آورد که خطاب بیکی از احبا
میفرماید - ترجمه قبل از آنکه از تو چیزی
باقی نماند - نه فکری ونه ذکری نه صدائی
ونه ندائی فقط بگو یا بهاء الابهی "
پس جمله یا بهاء الابهی را بر زبان -
آورد و بملکوت ابهی شتافت و خلم مات ۲۴ -
ساله اش خاتمه یافت جمعیت بهائی در
گردش حلقه زدند و **دهاها** خواندند هر یک
از صدقین چیزی میگفت و بیانی میکرد و
احساساتی را که حاکی از درد و الم ازدوری
مادر روحانی خود بود بیان میداشت یکی می
گفت گذران يك روز با او برای من خاطره
جاودانی بجای گذاشه .
دومی میگفت او شخصی بود که باید

بود که ناگاه مشاهده نمود هیگل مبارک از میان
جمع بسمت او آمدند و او بانجام آرزوی برادر
روحانیش که در اقصی نقاط ایران بود توفیقی
یافت .
گاهی دوستان و احباء از او میخواستند
که بهترین خاطره حیات خویش را بازگویند
او يك روز چنین حکایت کرد .
" پس از آنکه یکپهفته در نیویورک در -
خدمت حضرت عبدالبها ۶ مشرف بودم و در
جلساتی که تشکیل میشد شرکت داشتم و از اصفاء
بیاناتش لذت میبرد م خدا حافظی کرده و باتفاق
دخترم بسمت ایستگاه راه آهن روان شد م ولی
قلبا آزرده خاطر بودم چون نتوانسته بودم -
آنطوریکه آرزوی دل و جانم بود بمولایم نزد بیک
شوم بالاخره در ایستگاه متوجه شدم که دخترم
کیف دستی خود را فراموش کرده در مراجعت
دیدیم انجمنی برپا است و جمعی نشسته اند
هیگل مبارک در صدر مجلس جلوس فرموده و دو
محل در طرفین کوسی ایشان خالی است -
حضرت عبدالبها ۶ ما را بنشستن دعوت فرمودند
من در قلبم احساس سروری کردم که هرگز وصف
آن نتوانم خداوند با نبودن جا وانهمسه
جمعیت چگونه مدتی آن دو صندلی خالی
بود ؟ بهیگل مبارک نزدیک شدم از مواهبش
بهره فراوان بردم در آخر جلسه هم تسبیحی
عنایت فرمودند که بهر يك از احباء يك مهره

آهنگ بدیع

است. بمقام مهاجر جاودان امرالله
ارتقاء یافت از برای مشارالیه
نزول سرکات لاتحسی در ملکوت
ابهی سائلم . از همدردی صمیمانه
خودم شما را اطمینان میدهم .

بیان که باین مقام رسید مشاهده
گردید که حضار همگی در عوالم
روحانی سیر میکنند و از گذشت زمان
بگلی بیخبرند گوینده داستان
درخاتمه چنین گفت بلی همیشه
مادرهای مقربین (ام المؤمنین) -
مبعوث شده اند و حال هم در
بین ما کم و بیش هستند برای
نمونه نام دو روح مجسم دختران
آن مؤمنه جسی رول JESSIE REVELL

و اتل رول ETHEL REVELL را ذکر
می کنم که اغلب دوستان را در
مقامات متبرکه دیده اند که
بخدمات بیت الصمد اعظم واحبای
الهی مشغولند و نمونه از رفتار
آن مادر عزیز در این عالم هستند .

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

XXXXXXXXXXXX

XXXX

قطعات عالم را طی کرد تا شبه او را
یافت .

سومی اظهار میداشت که گرانبها ترین
گنج حیات من محبتی است که با دارم .

بلی مادر رول گنجی بود گرانبها که با
وجود ضعف و ناتوانی همیشه شاکر بود و می
گفت خداوند بمن این قدر لطف و عنایت
فرمود که قدرت ثنای او را ندارم .

در محفل تذکرش محامد و اوصاف او را
ذکر کردند و نامه های رسیده از اطراف
را خواندند همه یکدل گشتند که منزلش
مأوی ^{ونفرا} ضعیفاً بود چه مسائل مشکلی که
بدعایش حل شد و چه بسا علیلانی
که تحت توجهش معالجه شدند یک
شخص غیر بهائی میگفت بمحض

رسیدن بر مزارش دسته گل قرنفل
بر تربت مطهرش میگذارم دیگری
میگفت بنام او بصندوق امر کمک
میکنم و یکی هم میگفت قلبمشاد است که
در بهشت الهی واسطه پر محبتی دارم
و بالاخره زنی سیاه پوست بنظر
محامدش پرداخته و از دوری او اشک
حسرت می ریخت که تلگراف مبارک
زیارت گردید که فرموده بودند .

ترجمه از حدود مادر عزیز -
مأثرم - خدماتش فراموش نشدنی

انتخابات بهائی (بقیه از صفحه ۳۲۷) آهنگ بدیع

البته باید اذعان نمود که استفاده از این حق یعنی شرکت در انتخابات و در این مورد بخصوص انتخاب وکیل کاری بس دقیق و غلطی و مستلزم تفکر و هوشیاری فراوانی است در حیات شخصی بسیار اتناقی میافتد که جهت رتق وفتق امور عادی زندگی یا انجام يك معامله مادی ناچار از انتخاب وکیل میشویم جهت انتخاب چنین وکیلی تحقیقات طولانی میکنیم و بالاخره پس از تفحصات و تجسسات عمیقۀ دقیقه از بیرون دوستان یکی را که جامع جمیع شرایط باشد اختیار میکنیم و زمام امور را بیدامانت او میسپاریم در حالیکه برای واگذاری امور مادی و شخصی چنین دقتی مبذول میداریم معلوم است که برای تفویض مقدرات روحانی يك جامعه و سیمی چه دقت و هوشیاری باید بکار بندیم حضرت ولی محبوب امرالله در مقامی در بیان شرایط و صلاحیت مقام وکالت میفرمایند.... صلاحیت مقام وکالت مطابق و موافق شرایط منصوصه عضویت محافل روحانیه است (۱) در مقامی دیگر میفرمایند ".... عزت و تقدیم جامعه بهائیان منوط و مشروط بانخاب نفوس سلیمه مؤمنه فضاله است با توجه باین بیانات مبارکه و وظیفه منتخبین روشن و واضح میشود و آن اینست که "متوجهها الیه منقطعا عن دونه طالبا هداية مستعینا من

فضله" عده لازم از نفوس را که سلیم و مؤمن و فعال باشند بعنوان وکیل انتخاب نمایند. البته در نقاطی مانند مدینه منوره طهران که عدد احباب کثیر و تشکیلات امریه وسیع است ممکن است بعضی مسائل در نظر تعدادی از یاران ظاهرآ مشکلی جلوه نماید و آنان را از شرکت در امر انتخاب محروم سازد مثلا بعضی از نفوس بعد از عدم شناسائی افراد از شرکت در امر انتخابات خود داری نمایند و حال آنکه بطریق زیر میتوان رفع این محذور را نمود. اول مطالعه دقیق و عمیق فصوص مبارکه که در زمینه انتخابات موجود است. ثانی شرکت مرتب در تشکیلات و احتفالات علی الخصوص ضیافات نوزده روزه و در صورت امکان مداومت در خدمات امریه و ثالث تذکر دائمی با اهمیت این امر در طول مدت سال بدین معنی که همانطور که بارها گفته و شنیده ایم از اول سال ب فکر انتخاب وکلای خود باشیم و این فریضه مهمه را ب دقایق و ساعات و حتی روزهای آخر موقوف نسازیم. همواره باین نکته متذکر باشیم که انتخاب وکلا یا اعضای محافل مقدسه روحانیه که در آثار مبارکه حضرت ولی محبوب امرالله از آنان به خطابیات مهمینه "نخبه ابرار" قدوه اصحاب "امنای امر حضرت قیوم" "مؤمنین بنیان اقوم" و "پیشوایان و علمداران حزب مظلوم" یاد شده کاری نیست که در يك لحظه و يك

(۱) توفیق مبارک مورخ ۲۷ جولای ۱۹۳۲

ساعت عملی وانجام پذیر باشد و مستلزم دقت و تمعن دائمی و طولانی است. حضرت ولی مقدس امرالله در یک موردی در جواب احبای غرب دستورالعملی صادر فرموده اند که ترجمه آن چنین است :

" . . . احبا باید با یکدیگر آشنائی کامل حاصل کنند و به تبادل افکار پردازند و بکمال آزادی باهم آمیزش و مؤانست جویند و راجع به شرایط و خصائص نفوسی که بسایند به عضویت محفل انتخاب شوند با یکدیگر بحث و مذاکره نمایند و حتی بطور غیر مستقیم هم ذکر نام و یا توضیف اشخاص معینه را ننمایند همواره باید از اعمال نفوذ در افکار و نظریات دیگران و تبلیغات بنفع اشخاص معینه خود داری نمود و لکن باید تاکید کرد که یاران بصفات و شرایط لازمه نفوس منتخبه بطوری که در الواح مبارکه مولای محبوب مذکور است معرفت کامل حاصل نمایند و شخصا بطور مستقیم در مقام تحقیق برآمده نسبت بیکدیگر اطلاعات و آشنائی بیشتری کسب کنند نه آنکه از اقوال و عقاید دیگران استفاده نمایند ."

(نقل از نظامات بهائی صفحه ۸۰)

باری با استفاده از این طرق یعنی مداومت در مطالعه آثار مبارکه - فقط تعاضد یا تشکیلات جاریه امریه و دقت و تمعن در طول مدت سال و شاید طرق مشابه اینهاست که میتوانیم مشاغل

احتمالی موجوده را حل نمائیم و متحدان و متفقا باین امر مبرور قیام نمائیم والا همچنانکه مولای توانا انذار فرموده اند : " نتیجه هرج و مرج است و مشاغل عظیمه تولید گردد و فتنه و فساد از دیار یابد و تأئید الهی سلب گردد و

هجوم دشمنان بیشتر شود و نوایای مبارکه تحقق نجوید و تأسیسات مهمه آتیه معوق و معطل ^{مانند} . در خاتمه امید است در سال جدید که به امر مطاع بیت عدل اعظم الهی تمداد نمایند ^{گان} . جامعه بهائی در مهده امرالله ازینج واحد به نه واحد افزایش یافته و دوره جدیدی در تاریخ انتخابات ملی در ایران مفتوح گردیده یاران عزیز الهی در کشور مقدس ایران نیز استقبال شایسته و بیسابقه از این فضل و عنایت نمایند و بتعداد هرچه بیشتر - بانظم و ترتیب هرچه تمامتر و با دقت و تمعن هرچه عمیق تر به انتخاب و کلاسی خود مبادرت نمایند " بدل و جان باین امر خطیر من دون استثنا " و استعفا اقدام کنند و در این عمل مبرور بریکدیگر سبقت جویند " ابتدا احوال در این امر نکنند و کناره نگیرند و دوری نجویند " تا بفضل و تأئید

الهی انجمن شور روحانی بکمال متانت و درایت تشکیل گردد . انتخاب محفل مقدس روحانی ملی تجدید شود و نوایای مقدسه الهیه بند ریج یکی پس از دیگری نقاب از رخ براندازد .

مممممممممممم

خیمه وحدت

در کرمین الجنت

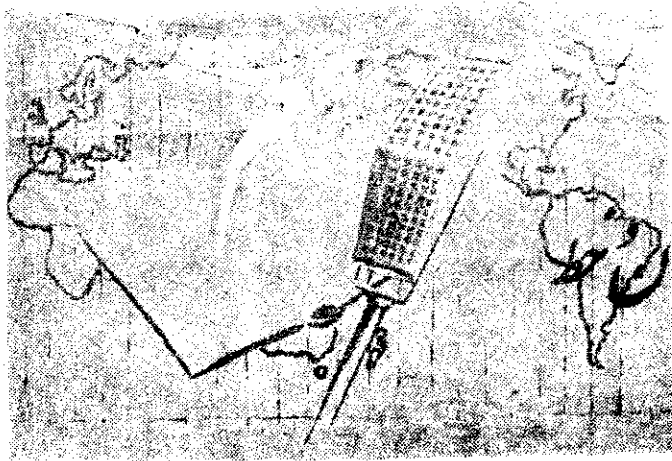
روز وصلش عاشقان بزمنی مهنا داشتند
 ز رهسان خود را هبا دیدند پیش آفتاب
 شمس ابهی تا عیان گردید در ملک وجود
 صد هزاران جان فدا کردند و هر دم تازه جا
 باده توحید نوشیدند از جام الست
 سرزبان شناختند آن قوم در میدان عشق
 پاکبازان خمار عشق نام وجاه و مال
 ارض را گلگون نمودند از مظهر خون خویش
 خوش بساطی دست حق گسترده تا دلدادگان
 گاه سرمست کلامش گاه سرخوش از لقا
 رفت ایام وصال و نیست دیگرمان نصیب
 هر زمان را قسمتی کامد مقدر در جهان
 تحت فرمان ولی امر حق ممتاز غصن
 تاسفینه حق مقرر گشت اندر کرم رب
 منتخب آمد اگر چند این رجال بیت عدل
 بود مکنون لوح آن اسما چو اندر حلم حق
 در عدد چون اسم اعظم برگزیده نه رجال
 گفته او را فقط قول خدا دیدند و بس
 طائف یک محور آمد امر ابهی لا جرم
 حین انظم بدیعی کانبیاء و اولیاء
 گاه فاش و آشکارا کرده نعمت این نظام
 حینا یومی که پاکان سلف در آرزوش
 حینا کاخی که اندر او حقایق سر بسر
 عرض و طولش را بشرق و غرب عالم داد بسط
 این مدینه فاضله کامروز آمد از سما
 خود امین این جنت ابهی است بر روی زمین

خیمه وحدت هم از آن روز برپا داشتند
 همچو قطره جسم و جان را غرق در یاد داشتند
 چشم بر رخساره اش مانند حرها داشتند
 از دم جان بخش آن محبوب یکتا داشتند
 آن بلی گویان بالا از او تمنا داشتند
 جان و تن دادند و بزمنی خوش مهیا داشتند
 پاک باز دیدند و جان بر کف بسودا داشتند
 تا بیا امر بها برارض حصرا داشتند
 بانشاط اندر جوار دست ماوا داشتند
 از کف محبوب مردم تازه صهبا داشتند
 آنچه را آن عاشقان در بزم ابهی داشتند
 هر کسی را سهم خاص از ملک بالا داشتند
 آن ملا یک "سوق تجری" آشکارا داشتند
 "الذین ذکرهم" ساکن در آنجا داشتند
 نامشان از قبل اندر لوح اسما داشتند
 اهل ابهی آن نهان اسما هویدا داشتند
 بیت عدل اعظم از آن جمع برپا داشتند
 قال وقیل آن و این را سحو و ملفی داشتند
 از کدورات شقاق آنرا مبرا داشتند
 در بیان قدر و جاهش نطق گویا داشتند
 گاه اسرار نهانش در معما داشتند
 خاطری بی تاب و قلبی تلاشکیا داشتند
 در نیایش سهمی از حق توانا داشتند
 سقف آنرا مرتفع بر طاق مینا داشتند
 انتظارش را بسی مردان دانا داشتند
 کز وصالش مردمان بس آرزوها داشتند

از ذره کسب نور مکن ز آفتاب کن

ای دوست از معاشر بسد اجتناب کن
وز بهر خود مصاحب نیک انتخاب کن
از معبری که هست گذرگاه بخردان
هر بامداد و شام ایاب و نهاب کن
در راه زندگی روش اعتدال گیر
نی آنچنان درنگ و نه چندان شتاب کن
با گوش دل نصیحت پیر خرد نبیوش
وز راه صدق پیروی آن جناب کن
ایدل روا مدار به راه خطا روی
خواهی گناهکار نباشی ثواب کن
زان پیشتر که روز حسابت فرا رسد
هر شب ز زبان سود عمل را حساب کن
گل در بهار عمر ز باغ عمل بچینی
و آنرا برای فصل زمستان گلاب کن
"فاضل" زنده رزق خواه از خدا خواه
از ذره کسب نور مکن ز آفتاب کن

احمد نیکویی شراوه فاضل



وحدت لسان

« ۳ »

« لسان واحد از اعظم وسائل الفهم و تقوی است در عالم انسانی
و سبب نشر معارف و معاونت و معاشرت عمومی »

(حضرت عبدالبهاء)

سو* تفاهمات و اختلافات موجوده باشد .
حضرت عبدالبهاء جل ثناءه در ضمن خطابه
مبارك در ادامبورك اسكاتلند در مجلس —
اسپرانتیست ها چنین میفرمایند قوله عز بیهانه
« . . . هر چه سبب اتحاد است خوبست و
نافع و اعظم وسیله وحدت لسانست که عالم
انسانی را عالم واحد کند سو* تفاهم ادیان
را زائل نماید . شرق و غرب را دست در آغوش
یکدیگر دهد . وحدت لسان انسانی را یک
عائله کند وحدت لسان اوطان بصیغه را وطن
واحد نماید و قطعات خسیه را قطعه واحد
زیرا لسان یکدیگر را میدانند و این سبب
میشود که نادانی از میان میرود و طفلی بیان
سبب تحصیل علوم میکنند و محتاج بد و لسان
و بس یکی لسان وطنی یکی لسان عمومی .
یمكن بجائی رسد که لسان وطنی هم احتیاج

اثرات و نتایج ایجاد لسان و خط

بین المللی

۱- وحدت لسان و خط سبب حصول

الفت و محبت عمومی است — جمال قدم جل
اسمه الاعظم در کتاب مستطاب اقدس و سایر
آثار مبارکه وحدت لسان و خط را سبب اتحاد
و اتفاق و علت ایجاد محبت و وداد بین افراد
بشر دانسته اند چه ناگفته بیداست که هر
قدر اقوام و ملل مختلفه عالم بیشتر بتوانند با
یکدیگر خلطه و آمیزش نموده و مقاصد و مسائل
و آمال همدیگر را بهتر درک نمایند بهمان
اندازه اساس الفت و محبت فیما بین آنان محکمتر
و استوارتر خواهد شد و بدون شك وحدت لسان
و خط میتواند یکی از مهمترین عوامل ایجاد
الفت و اتحاد بین اقوام و جوامع مختلفه و رفع

آهن گد یس

گذشته ملاحظه میکنیم وحدت زبان چقدر -
سبب الفت و وحدت شد هزار و سیصد سال
پیش قبطیان سریانیان آشوریان ملل مختلفه
بودند در شدت نزاع و جدال بعد چون مجبور
بتکلم لسان عرب شدند وحدت لسان سبب شد
که حال جمیع عربند و یک ملت شده اند با اینکه
اهل مصر قبط و اهل سوریه سریانی و اهل بغداد
گلدان و اهل موصل آشور بودند . لیکن وحدت
لسان جمیع آنها را یک ملت نموده با هم مرتبط
کزر ارتباطی که ابدًا فصل ندارد و همچنین
در سوریه مذاهبات مختلفه مثل کاتولیک ارتودکس
درزی شیعه سنی نصیری هستند ولی بسبب
وحدت لسان مثل یک ملتند از هر یک سئوال
کنی گوید من عربم و حال آنکه بعضی رومانینند
بعضی عبرانی و بعضی سریانی و بعضی یونانی
اما لسان واحد آنها را جمع کرد پس وحدت
لسان بسیار سبب الفت میشود بعکس از -
اختلاف لسان در اروپا یکی را آلمان
یکی را انگلیس یکی فرانسه میگویند اگر وحدت
لسان بود البته الفت حاصل میشد بلکه یک
ملت بودند چنانچه در شرق ملل مختلفه ای
که لسان واحد دارند حکم یک ملت پیدا کردند
..... (1)

۲- وحدت لسان و خط بهترین وسیله

نماند دیگر چه موهبتی اعظم از اینست و چه
راحتی برای انسان بهتر از این عالم انسانی
جنت میشود " و همچنین میفرمایند
"..... اعظم مشروع این قرن وحدت عالم انسانی
است و همچنین وحدت لسان سبب الفت بین
قلوب است سبب حصول اتحاد است سبب زوال
سوء تفاهم است سبب ظهور حقیقت است و
سبب محبت جمیع بشر است و سبب تفهیم و
تفهم است که اهم امور در عالم انسانی است هر
فردی از افراد بشر بجهت وحدت لسان می
تواند بر افکار عموم بشر اطلاع یابد بسبب وحدت
لسان انسان میتواند با سرار قرون ماضیه مطلع
شود و بکمال سهولت تحصیل علوم و فنون موجو
گند " (1)

باید توجه داشت که وحدت لسان در -
ازمنه سالفه نیز اعظم وسیله ایجاد الفت و اتحا
بین اقوام و ملل مختلفه و از جمله عوامل مهمه -
تمدن هر قوم و ملتی بوده است بطوریکه غالباً
اختلافات و تعصبات مذهبی نژادی و ملی
در تحت تأثیر و حکومت یک لسان واحد زائل
گردید و ملت‌های مختلفه متباغضه حکم واحد
یافته اند . حضرت عبدالبهاء در باره اثرات
و ثمرات وحدت لسان در ادوار سالفه چنین
میفرمایند قوله الجلیل : " در زمان

(1) پیام ملکوت - رساله وحدت لسان و خط .

(1) پیام ملکوت - رساله وحدت لسان و خط

آدنک بدیع

تفهیم و تفهم و بسط علوم و معارف است — چون بتاریخ مراجعه کنیم ملاحظه مینمائیم که یکی از عوامل مزاحمت و اختلاف و سوء تفاهم و عدم الفت و حسن ارتباط بین اقوام و طوائف و ملل مختلفه جهان همانا اختلاف و وجود تعصب لسانی بوده است زیرا اگر بین دو نفر یا دو قوم و ملت تباین در زبان وجود داشته باشد تفهیم و بیان مقاصد و تبادل نظر و توافق فکر و استفاده از علوم و معارف یکدیگر بسهولت حصول نمی پذیرد بلکه غالباً سوء تفاهم و منافرت بظهور میرسد و کینه و دشمنی بروز میکند. داستانها را جاع بمنازعه و مشاجره بین افرادی که دارای فکر و هدف واحد و باطالب شیئی واحدی بوده اند ولیکن بحسب اختلاف زبان نمیتوانستند مقصود و منظور خود را بیکدیگر تفهیم نمایند — مشهور و در کتب مختلفه و آثار شعرا و نویسندگان مذکور است و حضرت عبدالبهاء یکی از آن حکایات را چنین بیان فرموده اند قوله الاحلی " حکایت کنند که دو نفر بودند که لسان یکدیگر را نمیدانستند یکی بیمار شد دیگری بصیادت او رفت رفیق از مرین پرسید باشاره که چطور؟ جواب داد مردم ولی رفیق چنین فهمید که میگوید بهترم گفت الحمد لله . باز باشاره پرسید چه خوردی ؟ جواب داد زهر گفت شفای عاجل است . باز پرسید حکیم تو کیست ؟ جواب داد عزرائیل گفت قد مش مبارک است

شخص ثالث که زبان هر دو را میدانست برفیق گفت میدانم چه جواب میدهی گفت چون من چنین گمان کردم که میگوید بهترم گفت الحمد لله میگوید فلان دو خوردم گفتم شفای عاجل است میگوید حکیم من فلانکس است لهذا گفتم قد مش مبارک است بعد چون فهمید بعکس جواب داده خیلی محزون شد و این حکایت در نوع دیگر مشهور بیان میکند مقصود یکی است خلاصه هیچ چیز بهتر از تفهیم و تفهم نیست و هیچ چیز از عدم تفهیم و تفهم بدتر نه هر کس گیر کرده میدانند چگونه انسان متحیر میماند هیچ نمیدانند چه بکنند از هر چیز باز میماند اصلاً چون وحدت لسان حاصل شود همه مشکلات حل گردد . . . (۱)

بنابراین باید از عاقلان کرد که وحدت لسان و خط یکی از بزرگترین عوامل ایجاد الفت و اتحاد و تفهیم و تفهم و بسط علوم و معارف بین اقوام و ملل مختلفه عالم میباشد حضرت عبدالبهاء در ضمن نطق مبارک در مجلس اسپرانتیست های پاریس چنین میفرمایند — " در عالم انسانی دو قضیه است عمومی و خصوصاً هر امری عمومی فوائدش بی نهایت است و هر امری خصوصاً فوائدش محدود . . . لهذا میتوانیم بگوئیم لسان عمومی امریست مهم زیرا

(۱) — پیام ملکوت — رساله وحدت لسان و خط

آهن‌گدییح

و ادبیات یگدیگر بسط و توسعه معارف عمومی
میباشد و همواره قسمتی از وقت و نیرو و ثروت
افراد باید صرفرا گرفتن السنه مختلفه گردد
تا بتوانند در نهایت صعوبت احتیاجات خود را
رفع نموده از خرمن دانش و معارف ملل سایر
خوشه چینی کنند در حالیکه وحدت لسان رافع
همه این مشکلات و موانع میباشد . جمال اقدس
ابهی جل اسمه الاعلی در یکی از الواح مبارکه
در این باره چنین میفرماید قوله تعالی :
" ملاحظه میشود اکثری از امم از تشمت
لغات اهل عالم از مخالطه و معاشرت و کسب
معارف و حکمت یگدیگر محرومند لذا محسنی
فضل وجود کل مأمور شده اند باینکه لغتی
از لغات را اختیار نمایند چه جدیداً اختراع
و چه از لغات موجوده ارض و کل بآن متکلم
شوند در این صورت ارض مدینه واحده ملاحظه
شود زیرا که کل از لسان یگدیگر مطلع میشوند
و مقصود یگدیگر را ادراک مینمایند این است
سبب ارتقای عالم و ارتفاع آن و اگر نفسی از وطن
خود هجرت نماید و بهر یک از مدن وارد شود
مثل آنست که در محل خود وارد شده تمسکوا
به یا اهل المجالس والمدن اگر نفسی فی الجمله
تفکر کند ادراک مینماید که آنچه از سما مشیت
الهیة نازل شده محسن فضل بوده و خیر آن
یکل راجع است " (۱) .

(۱) مجموعه الواح مبارکه .

سوء تفاهم را از بین ملل نازل نماید قلوب عموم
را بهم ارتباط دهد و سبب شود که هر فردی
مطلع بر افکار عمومی شود در عالم انسانی
تفہیم و تفہیم که از اعظم فضائل عالم بشری
است مشروط بوحدهت لسان معلم و متعلم
است پس چون لسان عمومی حاصل شود تعلیم
و تعلم سهل و آسان گردد " و نیز میفرماید
" تفہیم و تفہیم منوط بلسان واحد است
باید تلمیذ و معلم وحدت لسان داشته باشند
تا تفہیم و تفہیم حاصل شود چه در عالم انسان
امری اعظم از تفہیم و تفہیم نیست تربیت
صحیح منوط به تفہیم و تفہیم است تعلیم
علوم منوط باین است و این است سبب تحصیل
معارف عمومی و باین سبب انسان از هر امری واقف
شود پس اگر وحدت لسان باشد جمیع افراد
بشر باسانی یگدیگر را تفہیم نمایند " (۱)
باتوجه به بیانات مبارکه فوق و اهمیت
وحدهت لسان و خط در این ظهور مبارک باید
دانست در دنیا امروز که روابط نزدیک علمی
فرهنگی اجتماعی اقتصادی و هنری بین اقوام
و ملل مختلفه عالم بوجود آمده است اختلاف
زبان و خط یکی از مهمترین موانع استفاده و
استفاضه جوامع ملل از علوم و صنایع و بدایع

(۱) — پیام ملکوت — رساله وحدت لسان و
خط — مبادی روحانی .

فی المثل طالب علمی که از کشور های شرقی رخت سفر برمی بندد و بقصد کسب علوم و معارف به ممالک غرب رهسپار میشود ناگزیر است ابتدا قسمتی از اوقات خود را صرف فراگرفتن زبان مملکت محل اقامت خود آنهم بطور ناقص نماید و سپس با تحمل زحمت و عسرت بفرآگرفتن علم ویا صنعت مورد نظر مبادرت ورزد. حضرت عبدالبهاء جل ثنائه در یکی از خطابات مبارکه خود در این باره چنین میفرماید قوله المبین " در مدارس شرق و غرب اهالی باید چند سال زحمت بکشند تا تحصیل السن نمایند اول باید چهار سال تحصیل لسان نمایند تا مباشرت بعلم کنند مثلا شخصی از اهل هند یا ایران و ترکستان و عربستان بخواهد تحصیل فن طب نماید باید اول چهار سال تحصیل لسان انگلیسی کند تا مباشرت به تحصیل طب نماید لکن کسی لسان عمومی داشته باشد در صفر سن آن لسان را تحصیل کند بعد بهم مملکتی رود بدو بتحصیل علوم مشغول شود و امروز اگر نفسی ده زبان داشته باشد باز محتاج لسان دیگر است اما اگر لسان عمومی باشد چقدر آسان میشود فی الحقیقه نصف حیات بشر باید به تحصیل لسان صرف شود هر کس بخواهد در یکی از قطعات عالم سفر کند باید ده لسان بداند تا بتواند با عموم معاشرت کند و تحصیل ده لسان یکمصر میخواید اما

و حضرت عبدالبهاء مرکز میثاق ضمن یکی از خطابات مبارکه چنین میفرماید : بسبب اختلاف لسان اهل شرق عموما از معلوما ت اهل غرب و اهل غرب از معلومات اهل شرق بی خبرند اما بواسطه لسان عمومی شرق افاضه از غرب نماید و غرب اقتباس انوار از شرق تواند و سوء تفاهم بین ادیان زائل شود پس لسان واحد از اعظم وسائل الفت و ترقی است در عالم انسانی و سبب نشر معارف و معاونت و معاشرت عمومی . " (۱)

۳- اهمیت و تأثیرات وحدت لسان و خط

از لحاظ اقتصادی و راحت و آسایش افراد بشر
 - یکی از مسائلی که در اوضاع اقتصادی جهان امروزی اثرات سوء میگذارد و قسمتی از ثروت و نیروی فعاله افراد جامعه کل بشری را بییهو تلف میکند اختلاف و تنوع خط و زبان میباشد زیرا تنوع کثرت زبانها در دنیای قرن بیستم که روابط مختلفه بین المللی توسعه و تزیاید یافته افراد را ناگزیر مینماید که برای رفع احتیاجات و حفظ منافع خود بفرآگرفتن زبانهای مختلفه مبادرت ورزند و قسمتی از اوقات گرانبهای عمر خود و همچنین مقداری از قدرت اقتصادی و درآمد خویش را در این راه تلف کنند و مع الوصف محتاج بدانستن زبانهای دیگر باشند

(۱) پیام ملکوت - رساله وحدت لسان و خط

آهن گنبد ییح

ودانشمندان هر ملتی استفاده نمایند لذا در حال حاضر در هر مملکتی بنا بر احساس احتیاج و اجبار ترجمه کتب مفیده السنه خارجه بزبان ملی آن کشور بخصوص در ممالک شرقیه از امور متداوله است و در دنیا کنونی قسمتی از نیروی جسمی و روحی و ثروت اقتصادی و اوقات گرانبهای افراد در عوض اشتغال به امور تولیدی و کارهای عام المنفعه صرف ترجمه و چاپ و انتشار کتب و رسائل متعدد میشود و وجود مترجمین متعدد در رینگاها و تجارتخانه ها و وادار دولتی و مؤسسات مختلفه و مجامع بین المللی که علاوه بر صعوبت تفهیم و تفهم و ایجاد سوء تفاهات نیروی عده کثیری از افراد انسانی را مضمحل میکند و همچنین - اوقاتی را که متخصصین و معلمین و محصلین زبان صرف تعلیم و تعلم مینمایند همه شواهد بارزی هستند که اختلاف و تنوع زبانها یکی از مشکلات بزرگ اجتماعی و اقتصادی و علمی دنیا قرن بیستم بوده و باید هرچه زودتر با ایجاد و ترویج یک خط و زبان بین المللی برفع این مشکل اقدام شود .

صرف نظر از منافع اقتصادی و اجتماعی مسئله وحدت لسان و خط از لحاظ راحت و آسایش افراد بشر نیز مورد توجه میباشد . چه تمام گوششها و تلاشهای نسلهای بشری و وضع قوانین و نظامات مختلفه و حتی زحمات

یک لسان عمومی انسان را از همه این مشقت ها راحت میکند (۱)

نیگسون که یکی از نویسندگان انگلیسی - است درباره اشکالات تنوع و اختلاف زبانها در دنیا کنونی چنین مینویسد : " یکی از دوستان من در جنگ گذشته موقعی که ارتش بریتانیا در فرانسه پیاده شد بکشور مزبور رفت و بمنظور رفع احتیاجات روز مره خود مجبور بفرارگرفتن زبان فرانسوی گردید ولی پس از چند روز او را در شمار اسرای انگلیسی باآلمان بردند و مدت - چهار سال در آنجا توقف داشت و ناچار بود زبان آلمانی را بیاموزد ولی نبودن یک زبان بین المللی هنوز او را رنج میداد با آنکه سه زبان زنده را بخوبی میدانست و قادر بتکلم بود اتفاقا بفرمان ستاد ارتش آلمان او را بنواحی شرقی آلمان فرستادند تا در آنجا بکار مشغول شود واضح است در آن سرزمین او با اهالی لهستان و روسیه شوروی در تماس بود و چون زبانهای انگلیسی - فرانسه و آلمانی در آنجا مفید فایده ای نبود مجبور شد به تحصیل - زبان روسی پردازد "

از طرف دیگر در دنیا امروز اقوام و ملل متمدنه سعی دارند از خرمین علوم و محارف یکدیگر بهره بگیرند و از افکار و نظریات متفکرین

(۱) - پیام ملکوت - رساله وحدت لسان و خط

آهنگ بدیع

کل را کفایت مینماید و از این زحمات لا تحصی
فارغ میشوند (۱)

و همچنین در لوح مبارک ابن زکیب
این کلمات علیا از مخزن قلم اعلی صادر
قوله الجمیل " چه بسا از امور که سهل و آسان
بنظر می آید و لکن اکثری از آن غافل و باموری
که سبب تضحیح ایامست مشغول . در آستانه
یومی از ایام کمال پاشا نزد مظلوم حاضر
و از امور نافعه ذکری بمیان آمد ذکر نمودند
که السن متعدد و آموخته اند در جواب
ذکر شد عمری را تلف نموده آید باید مثل
آنجناب و ساء و کلاهی دولت مجلسی
بیارایند و در آن مجلس يك لسان از السن
مختلفه و همچنین يك خط از خطوط
موجوده را اختیار نمایند و یا خط و
لسانی بدیع ترتیب دهند و در مدارس -
عالم اطفال را بآن تعلیم فرمایند در این
صورت دارای دو لسان میشوند یکی لسان
وطن و دیگری لسانیکه عموم اهل عالم
بآن تکلم نمایند اگر بآنچه ذکر شد
تمسک جویند جمیع ارض قطعاً واحده
مشاهده میشود و از تعلیم و تعلم السن مختلفه
فارغ و آزاد شوند " انتهى

(۱) مجموعه الواح مبارکه

و مشقاتی که مظاهر مقدسه الهیه و مصلحین
اجتماعی و مرییان اخلاقی عالم انسانی در
طول تاریخ تحمل نموده اند همه بجهت آن
بود که گریبان افراد انسانی از چنگ اختلافات
وسوء تفاهات و جهل و نادانی رهائی
یافته و به آسایش و سعادت حقیقی نائل
آیند و اکنون که تعدد و تنوع زبان و خط یکی
از مشاکل عظیمه دنیای امروز و مابین راحت
و آسایش و آزادی سیر و حرکت و خلطه و
آمیزش افراد بشر است باید که به ندای
سعادت مظهر کلی الهی و اعظم مری
عالم انسانی شارع مقدس دیانت بهائی هرچه
زودتر توجه شود و با اجرای این امر مهم مبادرت
گردد . حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی -
در یکی از الواح مبارکه راجع بفوائد و نتایج
وحدت لسان چنین میفرمایند قوله تعالی
و تقدس : " چه مقدار از نفوس مشاهده
شده که تمام اوقات را در تعلیم السن مختلفه
صرف نموده بسیار حیف است که -
انسان عمری را که اعز اشیا عالم است
صرف این گونه امور نماید و مقصودشان
از این زحمات آنکه کسان مختلفه را بدانند
تا مقصود طوائف و ماعند هم را ادراک نمایند
حال اگر بآنچه امر شده عامل شوند

سعی کنید سبک سبک

سعی کنید سبک سبک



از « رحیق مختوم » قاموس لوح مبارک قرن

"رحیق مختوم" کتابی است که فاضل جلیل جناب اشراق خاوری
بعنوان "قاموس لوح مبارک قرن" در شرح و توضیح مطالب مهم
این توفیق منیع در دو جلد نگاشته اند .
مطالبی که در این شماره بنظر خوانندگان عزیز میرسد در ذیل
کلمه "مشره الفرید" مندرج است از جلد دوم این کتاب نقل
شده است .

را از کلیسا خارج نمودند . وی بسختی زند
نمود تا در نهایت فقر و فاقه وفات یافت .
دوم عالم روحانی فرانسوی "گائوسین"

وی کتابی نگاشت با اسم "مسیح و حقیقت"
که آنرا در سال ۱۸۱۰ منتشر نموده و در آن
کتاب راجع بر رجعت ثانوی مسیح بین ۱۸۴۴
و ۱۸۴۵ میلادی بشارت داد . از شدت ظلم
و ستم مردم ناچار بر مهاجرت بسویس گردید و
در آنجا وفات یافت .
سوم - کشیش سوئیسی "پطری"

در سال ۱۸۱۸ میلادی تالیف موسوم به
"بشارت راجع به آمدن ثانوی پسر انسان"

"مبشرین ظهور مبارک در غرب"
مهم

" در باره ظهور حضرت اعلی و
جمال مبارک نیز مبشرین بسیار قبل از اظهار
امر در شرق و غرب عالم بتفاوت زمان غیر از انبیا
و مرسلین سابق بشارت داده اند . بعضی از
مبشرین غربی بقرار ذیل است .
اول - کشیش انگلیسی "لوی وی"

در سال ۱۸۱۰ میلادی رساله ای با اسم
"راجع به مسیح" نشر داد و در آن رساله
ظهور ثانوی مسیح را در بین سال ۱۸۴۰ و
۱۸۴۶ تعیین کرد . آن رساله در شورای
کلیسا مردود شد و بهمین جهت کشیش مزبور

آهنگ بدیع

رساله تاریخ ظهور را بین سال ۱۸۴۴ و ۱۸۴۶ تعیین نمود .

محل اینکه از چنگال قهر روحانیین -
بخلاص شود لذا از رهبانیت استعفا داده به
امریکا سفر نمود و در ۱۲ نوامبر سال ۱۸۴۲ در
آنجا وفات کرد .

هشتم - " گلبر " معلم علوم تعلیم و تربیت

وی در سال ۱۸۲۹ دو رساله در -
" اشتوتگارت " تألیف نمود یکی باسم " مسیح
ومسیحیان " و دیگری در سال ۱۸۳۰ موسوم
به " کتاب بشارات اصلیه در کتب مقدسه " -
در این دو کتاب صریحا میگوید که این انسان در
سال ۱۸۴۳ ظاهر خواهد شد .

نهم - " ماگ نی " رئیس فرقه انجیلی امریکا

وی از سال ۱۸۲۹ تا سال ۱۸۳۸ در همه
امریکا سفر تبلیغی نمود و مردم میگفت که مسیح
در سال ۱۸۴۵ ظاهر خواهد شد .

دهم - کشیش " استرایندی موسوم به " ویلتن "

وی کتابی نوشت باسم " واتیکان و ظهور مسیح "
و در سال ۱۸۳۰ این کتاب منتشر شد و در آن
موقع ظهور مسیح را در بین سالهای ۱۸۴۳ و
۱۸۶۴ تعیین کرده است راجع باین کتاب مردم
بر او هیجان کرده تبعیدش نمودند .
یازدهم - " گوفمان "

منتشر و این ظهور را در سال ۱۸۴۴ میلادی
تعیین کرد . چون شخص مقتدر و متنفزی بود
توانست خود را از چنگال محاکمه روحانیین
محفوظ بدارد ولی مجبور بر این گردید که از
منصب کشیشی خود دست بکشد .
چهارم - مدیر موزه دولتی " گاک "

موسوم به " گانس پطر " بود راجع بقرب

مسیح رساله نوشت و آنرا در سال ۱۸۱۹
در آمستردام و در سال ۱۸۲۲ در " داگ " و در
سال ۱۸۴۱ نیز در آمستردام منتشر کرد و در سا
۱۸۴۳ مکتوبی بناشیرین مجله " ماترفاخ تروف "
فرستاد و در آن آمدن مسیح را در سال ۱۸۴۵
تعیین کرد .

پنجم - عالم الهی " ابروینک دوشاتلاندر "

در سال ۱۸۲۱ رساله ای بنام " کتاب مقدس
مسیح " تألیف کرد . سال آمدن مسیح را در
۱۸۴۴ تعیین نموده است .

ششم - دکتر " ای یوسف دلف "

وی سفر مفصلی برای بشارت دادن بقرب
یوم مسیح در تمام اروپا و آسیا نمود .
هفتم - " تسون تسا "

که جزو " ژورژویت " های اسپانیا بود
رساله ای نگاشت باسم " در آمدن ثانوی مسیح "
و در سال ۱۸۲۸ آنرا منتشر ساخت . در آن

کردند .

چهارم - یکی از مستخدمین کلیسای "لتوران" موسوم به "بنگل" در اشتهوتکارت با اسم "معبد خدا برای خلق خدا در یوم ظهور مسیح" مقاله ای منتشر ساخت و در آن مقاله وقت آمدن مسیح را از سال ۱۸۴۴ تا ۱۸۶۴ معین کرد و میگوید که در این مدت تنفوسی که طرفدار حقیقت هستند انواع بلیات و آفات خواهد رسید یعنی بمؤمنین .

پانزدهم - کشیش کلیسای "انگلیکن" موسوم به "موراث هورک"

مؤسس جمعیتی بنام جمعیت منتظرین که دارای ۷۰۰ نفر پیرو بود رساله ای نوشت با اسم "تفسیر بشارات ظهور مسیح" و در سال ۱۸۴۲ بطبع رسانید و در آن رساله وقت ظهور را سنه ۱۸۴۵ تعیین کرد در سال ۱۸۴۶ - میلادی این جمعیت منحل شد .

شانزدهم - "اراحیل براستن"

زن باب تیستی روز هفتم که موسوم به "اراحیل براستن" بود بسن ۱۹ سالگی در یکی از پرورشگاههای حیوانات در شیلی امریکا خدمت میکرد در سال ۱۸۴۳ اعلان کرد که در شب بدعا مشغول بود و در خصوص رجوع مسیح فکر میکرد م برمن کشف شد که در سال ۱۸۴۴ - باب مکالمه خدای بروی خلق باز خواهد شد . این زن بدون آرامی پیوسته گریه میکرد

از کسانی که بهین يك از کلیساها علا قهای نداشت "کوفمان" بود . وی در سال ۱۸۳۸ در شهر "لثوم برگ" کتابی با اسم "یوم محاکمه خدا" نگاشت و در آن نوشته است که مسیح میبایستی میان سالهای ۱۸۴۳ و ۱۸۶۴ ظاهر شود بهمین جهت در آلمان گردش میکرد و مردم را بشارت میداد .

دوازدهم - کشیش "تررگان" موسوم به "ربرت مینتر"

وی کتابی بنام "که ما حاضر شویم برای استقبال مسیح" تالیف کرد و رجوع مسیح را در سال ۱۸۴۴ تعیین نموده است . کتاب مزبور را در سال ۱۸۴۰ در آلمان بطبع رسانیدند .

سیزدهم - دو جوان

"بیکس بوک دلیت" ۱۵ ساله و "آل هم" ۱۸ ساله در سال ۱۸۴۰ تمام جنوب امریکارا سیاحت کرده میگفتند بر ما کشف شده که در بهار ۱۸۴۴ در شرق مجدد ایوحنای معمدان زنده خواهد شد و افراد انسان را برای ظهور ثانوی مسیح آماده میکند .

ایشان اعانات را برای اینکه باراضی مقدسه بیاورند جمع میکردند لذا با اسم دیوانه معروف و در دارالمجانین محبوس گردیدند بعد از دو سال و نیم توقف در آنجا بسال ۱۸۴۲ هر دو در يك شب در مریضخانه "آنژلوس" که برای فقراتاسیس شده بود فوت

عکس های تاریخی

جمع نمایندگان انجمن شور قسمت آذربایجان
با حضور فخر المبلغین و المبلغات میس مارنارو
(در تبریز) ۶ اپریل ۱۹۳۰ میلادی



شرح عکسها بترتیب شماره

- ۱- اقا احد برادران سلیمی (متساعد) ۳- جناب حبیب الله راسخ ۴- جناب میرزا ابراهیم مغباط ۵- میس مارنارو
- (متساعد) ۶- اقا زین العابدین بالا زاده (متساعد) ۷- جناب دکتر محسن روحانی ۸- میرزا علی اکبر احد زاده
- (متساعد) از میانه ۹- جناب میرزا عنایت الله احمد پور ۱۰- حاج محمد علی روشنی (متساعد) ۱۱- حاج
- محمد رضا انصاری (متساعد) از مراغه ۱۲- اقا سید عباس علوی (متساعد) ۱۳- مشهدی محمود ایواوغلی
- (متساعد) از خوی ۱۴- میرزا یوسف خان وحید کشفی (متساعد) ۱۵- حاج علی اکبر احمد اف میلانی (متساعد)
- از میلان ۱۶- جناب نور الدین فتح اعظم (متساعد) نماینده محفل ملی ۱۷- میرزا تقی خان بهین آئین (متساعد)
- از طهران ۱۸- سید نوح (متساعد) ۱۹- مشهدی قربانعلی مشفق (متساعد) ۲۰- اقا محمد باقر مظنه ای
- نیکخواه (متساعد) ۲۱- آقای مشهدی عباس (ایلخچی) (متساعد) ۲۲- اقا میر جعفر گوگانی (متساعد) ۲۳-
- اقا شیخ فضل الله خادمی (متساعد) از سیستان ۲۴- احمد علی آستانی (متساعد) از شیشوان ۲۵- آقا
- حبیب الله مالک (متساعد) ۲۶- اقا جواد فیاض اف (خاضع) (متساعد) از رضائیه ۲۷- بهمن خان طهماسبی
- (متساعد) ۲۸- جناب محمود آگاه ۳۰- اقا سیفعلی موقانی (متساعد) ۳۱- بسر جناب سید نوح بنام ۲۰۰۰

از خادم امر الله جناب عنایت الله احمد پور که در معرفی عکسها کمال مساعدت را مبذول فرموده اند تشکر مینمائیم

تذکره شعرای قرن اول بهائی

... " چون صبح عنایت الهی برآمد و آفتاب حقیقت چهره گشاید و سحاب فیض یزدان
 بارش درآید دل‌های حق جو بیدار شود و دیده‌های حقیقت بین‌تربین خواب گوید زبانه‌ها
 بثنا بازگردد و لبها بذكر دوست همراز از هر سری سری خیزد و از هر وجود اثری ظاهر گردد
 یکی در بزم لقا جان نثار کند و دیگری در کوی وفا سراندازد یکی در بیابان عشق سرگردان گردد
 و دیگری در دریای محبت غریق یکی دستافشان بمیدان شهادت شتابد و دیگری پاکوبان در زیر
 شعله‌های شمع فروزان پروانه وار سوخته و جان تسلیم کند و نعم ماقال النعمیم :
 شمس جمالت چو گوشت بمالم افروخته بهر کسی عاشقی بنوعی آموخته
 یکی چو حریبا و چشم بمهر بردخته یکی سراپا چو شمع ساخته و سوخته
 یکی بی سوختن پر زده پروانه وار

... و هـ در این صحنه گروهی یابی که بدوق و خصیصه ای دیگر سرفراز و ممتازند .
 اینان را طبعی موزون است و قریحه ای بر شحات ادب مشحون احساسی رقیق تر در آنها د
 دارند و عاطفه ای دقیق تر در بنیاد هر یک بمقتضای حال آهنگی دل‌نشین ساز کنند و مرغ
 جان را با نغمه نمکین در هوای ثنا پرواز دهند . آنرا که ذوق جلیبه نثر آشناست کتابها
 پردازد و در میدان ستایش مقصود سمند بلاغت تازد و دیگری را که قریحه فطری به نظم هم‌نواست
 دفتر شعر باز کند و بدین زبان با محبوب بی انباز برآز و نیاز آید و البته هر نغمه که از دل برخیزد
 بر دلها نشیند و شمی که از آتش درون روشن شود هیچگاه خاموش نگردد گیتی را همیشه
 نزد فدائیان حقیقت سر تمظیم در پیش راست و جهان را پیش دانشمندان حقا تو واضح و فروتنی
 آئین و کیش "

× × ×

سطور فوق قسمتی از مقدمه ایست که شاعر سخن سنج جناب نعمت اله نکاتی بیضائی
 مؤلف " تذکره شعرای قرن اول بهائی " بر کتاب مزبور نوشته اند . پس در همین مقدمه نکاتی
 چند درباره علل و عوامل تهیه شرح حال و آثار شعرای قرن اول بهائی افزوده اند .

آهنگ بدیع

تهیه و جمع آوری و تدوین شرح احوال و آثار شعرای بهائی آنهم در اولین قرن این امر مبارک که مصادف با انقلابات و صدمات و لططات بی دریغی از طرف اعداء^۱ بوجود آمده و مسائل مسلما کاری دشوار است و کسانی که با تهیه این نوع مطالب سروکار دارند از مشکلات کار آگاهند و مسلما محرک و مؤید مؤلف محترم در این امر دشوار علاقه و پشتکار و روح تحقیق و تنیج ایشان بوده است.^۲ این اقدام مفید بهمان اندازه که دشوار است دارای ارزش و اهمیت است زیرا این قرن اعظم افخم که بنص بیان مبارک " فخر قرون و اعصار " است در آینده منشأ^۳ و ماخذ تحقیقات و تنبها^۴ مورخین و محققین قرار خواهد گرفت. بنا بر این یافتن و بجای گذاشتن هر نوع مدارک تاریخی از این قرن اعظم مفتنم و ذیقیمت است .

× × ×

کتابی که جلد اول آن اخیرا منتشر شده و " تذکره شعرای قرن اول بهائی " نام دارد مشتمل بر شرح حال و نمونه اشعار ۲۶ نفر از شعرای قرن اول بترتیب حروف تهجی و بحروف اول تخلص آنها است بدینقرار:

آذرمنیر - آزرده - آزادی - ادیب اهری - افروخته - اشراق خاوری - اشراق قندهار^۵
- ادیب بیضائی - بصار رشتی - بنا^۶ یزدی - بهجت قزوینی - بهجت بمبئی - بینش - ثنا
- جهان کاشانی - حاج سلیمان خان شهید - فاضل شیرازی - حمامه کرمانی - حیرت طهرانی
(شیخ رئیس) - حیرت قمی - جلالی - خدیجه کاشیه - خاوری - روحانیه بشرویه ای -
روحانی طهرانی - روحانی رفسنجانی .

مؤلف در ابتدای شرح حال و عکس و سپس چند نمونه از آثار منظوم شاعر را درج کرده و بطوریکه از اسامی شعرا مشهود است مجلد اول کتاب تا حرف (را^۷) ختم شده و بقیه در مجلدات بعد خواهد آمد .

× × ×

جلد اول کتاب " تذکره شعرای قرن اول بهائی " اخیرا در ۳۶۰ صفحه بقطع پستی و جلد طلاکوب منتشر شده است. مطالعه این اثر ذیقیمت را که اولین کتاب امری در نوع خود میباشد بعموم احبای عزیز الهی توصیه مینمایم و توفیق مؤلف محترم را در تکمیل و انتشار مجلدات دیگر این اثر گرانبها آرزو مندیم .

مممممممممممم



جوانان بهائی شہسوار



لجنه جوانان بهائی ضیاء کلا (مازندران)

آهنك بديع

نامه‌ای از جناب روح الله (بقیه از صفحه ۳۲۸)

فرماید و از ید عنایت و مکرمت خود گوثر فضل و عطاء بنوشاند باری حقیر فقیر رساله اثباتیه نی که حضرت والد ماجد انشاء فرموده بودند مع شرح و تفسیر حدیث کمیل را با خط منحوس خود نوشتیم و تقدیم حضور عالی نمودم انشاء الله آن جناب هم خلعت التفات خواهند فرمود .
خدمت جناب آقای و مولائی حضرت محبوب مکرّم حاجی میرزا حیدر علی علیه بهاء الله الابهی از قول این فانی عرض عبودیت برسانید و همچنین جمیع دوستان الهی و مشتعلان بنار محبت رحمانی را فردا فردا عرض عبودیت و فنا میرسانم خصوصا آقای آقا میرزا حسین آقا و آقا میرزا احمد را زیاده چه درد سر بدهم و جسارت نماید خوب گفته اند المراسلات نصف العلاقات .
فانی روح الله

صفحه ای از یک کتاب (بقیه از صفحه ۳۵۱)

و بخلق میگفت که برای یوم موعود مزبور خود را آماده کنند . بالاخره او را از خدمت منفصل کردند و بستگانش او را بجنون نسبت داده بدار المجانین فرستادند او در آنجا خوراک نخورد تا مرد .

هفدهم - ویلیام میلر

بنا به بشارت وارده در کتاب مقدس ظهور مسیح را در ۱۸۴۴ تعیین کردوی در واشنگتن در سال ۱۷۸۱ متولد شد و اول دفعه در سال ۱۸۳۱ بتبلیغ قیام و باسم ظهور مسیح مردم را بشارت میداد و در سال ۱۸۴۴ فوت کرد در وقت مردنش ۲۵۷۴۶۵ نفر پیرو داشت .
(نقل از مقاله حسین بك كوچار لینسکی قره باغی - ترجمه فضل الله شهیدی از روسی)

میرزا آقا خان بشیر الهی (بقیه از صفحه ۳۳۳)

قلوب المشاق و توجه باکلیل عفوک و غفرانک بالشبوت علی الميثاق و اغرقه فی بحار الطافک و ادخله فی حدیقة احدیتک و جنّة رحمانیتک و فی محفل اللقاء مرکز الانوار ملکوت الاسرار بعد صعوده من هذا الدار الی دار القرار انک انت الرحمن الرحیم و انک انت عزیز الکریم
المنان .

ع ع

تقاضا میشود

اغلاط ذیل را در مقاله (انتخاب در جامعه بهائی) تصحیح فرمایند

<u>صفحه</u>	<u>سطر</u>	<u>غلط</u>	<u>صحیح</u>
۳۳۸	۲۴ ستون دوم	مؤمنین	مؤسین
۳۳۹	۲۴ ستون اول	فقط	حفظ
۳۳۹	۲۲ ستون دوم	درایت	رزانت